

جایگاه و اهمیت نظریه ولایت فقیه و نقش آن در استمرار و تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه آیت الله مصباح یزدی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

امین نادری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

چکیده

اندیشه ولایت فقیه از دیرباز به عنوان یک نظریه دینی - سیاسی برای جامعه اسلامی و در عصر غیبت امام زمان (عج) مطرح بوده و توسط بسیاری از علما و صاحبان علم و اندیشه مورد بحث و کندوکاو قرار گرفته است. یکی از این صاحب نظران آیت الله مصباح یزدی است. وی با تشریح و تحلیل نظریه ولایت فقیه تلاش کرده است تا از جنبه های مختلف، جایگاه و اهمیت ولی فقیه را برای جامعه اسلامی آشکار سازد. با در نظر گرفتن این که در شرایط کنونی، بنیادی ترین رکن تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه است، این سؤال مهم پیش روی قرار می گیرد که ولی فقیه چه نقشی در تداوم و تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران دارد؟ برای پاسخ به این سؤال، تحقیق حاضر بر آن است تا با رویکرد تحلیلی و روش اسنادی و کتابخانه ای به تشریح جایگاه و اهمیت ولی فقیه در جامعه و چگونگی تأثیر ولایت فقیه در پایداری و تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه آیت الله مصباح یزدی پردازد. یافته های تحقیق نشان از آن دارد که از نگاه آیت الله مصباح، مردم عامل تحقق، عینیت بخشیدن و تشکیل حکومت اسلامی ولایت فقیه در جامعه اند و ولی فقیه نیز با بصیرت کامل در شناخت و حل و فصل کردن مسائل و مشکلات جامعه، باعث استمرار و تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران شده است.

کلیدواژه ها: ولایت فقیه، مصباح یزدی، نظام جمهوری اسلامی ایران، جامعه اسلامی، حکومت

اسلامی.

مقدمه و بیان مسئله

نظریه دینی - سیاسی «ولایت فقیه» را می‌توان اساسی‌ترین و مهم‌ترین پایه و رکن نظام سیاسی اسلام در زمان غیبت امام زمان (عج) دانست. اکثریت قریب به اتفاق اندیشمندان و فقهای شیعه با توجه به آیه شریفه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۱ معتقدند که حاکم جامعه اسلامی در زمان غیبت امام زمان (عج) مجتهد جامع شرایط یا ولی فقیه است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۶۴ و ۶۵) در این آیه، منظور از «اولی الامر» امامان معصوم‌اند و در زمان غیبت امام معصوم، ولی فقیه، نایب وی است؛ بنا بر این، همان‌طور که در آیین اسلام، اطاعت از پیامبر و امامان معصوم لازم و ضروری است، بر اساس نظریه ولایت فقیه اطاعت از ولی فقیه یا مجتهد جامع شرایط نیز ضروری و واجب است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۲۰۲-۲۰۱)

در مورد اندیشه ولایت فقیه از گذشته‌های دور تا کنون دیدگاه‌ها و نقطه نظرات زیادی توسط علما و اندیشمندان مسلمان به صورت تئوری مطرح شده است؛ اما آنچه پُراهمیت می‌نماید، آن است که در عصر معاصر، بر اثر درایت و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام، نظریه دینی - سیاسی ولایت فقیه رویکرد عملی پیدا کرده است و امام خمینی علیه السلام نظام جمهوری اسلامی ایران را بر پایه و اساس اندیشه ولایت فقیه بنیان گذاشته است.^۲ در این دوره نیز بسیاری از علما و صاحب نظران از منظرهای مختلفی به بحث و بررسی در مورد نظریه ولایت فقیه پرداخته‌اند که در این میان دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۱. نساء، ۵۹.

۲. برای اطلاع بیشتر از دیدگاه‌ها و نقطه نظرات امام خمینی علیه السلام در مورد اندیشه ولایت فقیه بنگرید به: موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۱)، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ یازدهم و موسوی خمینی، سید روح الله، البیع، (۱۴۲۱ق)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول و موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا)، کشف الاسرار.

ایشان با نکته‌سنجی دقیقی به اهمیت و ضرورت نظریه ولایت فقیه پرداخته و تلاش کرده است تا با ارائه مباحثی مانند ادله عقلی و نقلی اثبات ولایت فقیه، ولایت فقیه و ارتباط آن با قانون اساسی و بحث مطلق بودن اختیارات ولایت مطلقه فقیه در اداره امور اجتماعی جامعه در چهارچوب احکام و قوانین اسلامی، به تشریح هرچه بیشتر اندیشه ولایت فقیه بپردازد. نکته حائز اهمیت در میان اندیشه‌های آیت‌الله مصباح یزدی در ارتباط با نظریه «ولایت فقیه» توجه به نقش مردم در حکومت ولایی است؛ زیرا از نگاه آیت‌الله مصباح مردم با پذیرش و مقبولیت ولی فقیه در جامعه اسلامی، دارای نقش بسیار مهمی در استقرار و عینیت بخشیدن عملی به حکومت اسلامی ولی فقیه‌اند. اینک با توجه به اهمیتی که آیت‌الله مصباح برای نظریه ولایت فقیه و جایگاه ولی فقیه در جامعه اسلامی قائل است و نظر به این که محوری‌ترین اساس و بنیاد تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران نظریه ولایت فقیه و ولی فقیه است، دغدغه‌ای فکری برای پژوهشگر مقاله حاضر به وجود آمده است تا با تحلیل و بررسی اندیشه ولایت فقیه، به نقش و تأثیر آن در حیات و استمرار نظام جمهوری اسلامی ایران از نگاه آیت‌الله مصباح یزدی بپردازد؛ از این رو، این نوشتار بر آن است تا آثار و آرای ایشان را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها از میان دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات ایشان، به تحلیل و تبیین نظریه ولایت فقیه و نقش و تأثیر آن در استمرار و حیات نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی بپردازد؛ بنابراین، سؤال اصلی تحقیق این است که از نگاه آیت‌الله مصباح یزدی، ولی فقیه چه نقشی در استمرار و تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران دارد؟

فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد از نگاه آیت‌الله مصباح، پذیرش و مقبولیت حکومت ولی فقیه در پیشگاه

مردم و بصیرت کامل ولی فقیه در شناخت و برطرف ساختن مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی مردم، عامل تداوم و استمرار پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است.

پیشینه تحقیق

می‌توان گفت تا کنون هیچ نوشته و تحقیق مستقلی به موضوع نظریه ولایت فقیه و بررسی نقش و تأثیر آن در استمرار و تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران، از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی نپرداخته است. اگرچه در ارتباط با دیدگاه ایشان در مورد ولایت فقیه و حکومت سیاسی پژوهش‌های انجام گرفته است. چنان‌که محمدمهدی نادری در مقاله «مقایسه دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مصباح یزدی در زمینه ادله اثبات ولایت فقیه»، همان‌طور که از عنوانش پیداست، صرفاً به بحث «ادله اثبات ولایت فقیه» برای مقایسه دو دیدگاه توجه کرده است. وی در این مقاله حتی به مباحث «ولایت تشریحی فقیه» و «ولایت مطلقه فقیه» نیز ورود نکرده است. هم‌چنین در مقاله «نظام سیاسی مطلوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله مصباح یزدی» از جلال درخشه و سیدعلی لطیفی، به دیدگاه آیت‌الله مصباح در چهارچوب فلسفه اسلامی و مشخصاً حکمت متعالیه برای ارائه نظام سیاسی مطلوب مبتنی بر تقدم دانش بر قدرت و اصالت وجود مبادرت شده است. در مقاله «ماهیت حکومت دینی در اندیشه سیاسی آیت‌الله مصباح یزدی و شیخ فضل‌الله نوری» نوشته ابوالفضل ذکائی، به مقایسه اندیشه آیت‌الله مصباح یزدی و شیخ فضل‌الله نوری در بازشناسی ماهیت حکومت دینی توجه شده است.

اما تفاوت تحقیق حاضر با مقالات ذکر شده در این است که در نوشتار پیش‌رو با تشریح و تبیین چهارچوب دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح یزدی در مورد جنبه‌های مختلف نظریه ولایت فقیه، به دو مؤلفه چگونگی نقش مردم و تأثیر ولی فقیه در پایداری و استحکام پایه‌های نظام

جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است.

۱) جایگاه و اهمیت نظریه «ولایت فقیه» از نگاه آیت‌الله مصباح یزدی

از نگاه آیت‌الله مصباح یزدی، با توجه به آیه شریفه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» حق حاکمیت در درجه اول از آن خداوند متعال است. وی معتقد است، این حق از طرف خداوند به پیامبر ﷺ و سپس امامان معصوم علیهم‌السلام داده شده است؛ اما در زمانی که عملاً دسترسی به معصوم و حکومت او نیست، حتماً باید به سراغ فقیه جامع الشرایط برویم و اوست که حق حاکمیت دارد و با وجود چنین کسی در میان جامعه، حکومت و حاکمیت دیگران مجاز و مشروع نیست. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۹۰) بدین صورت ایشان وجود ولی فقیه یا مجتهد جامع الشرایط را برای جامعه اسلامی لازم و ضروری برمی‌شمارد. در حقیقت بر پایه همین اصل بود که امام خمینی رحمته‌الله علی‌رغم تمایل بسیاری از قدرت‌های استعمارگر دنیا، نظام جمهوری اسلامی ایران را که یک نظام دینی - سیاسی مستقل از تمامی نظام‌های رایج موجود در دنیاست، با محوریت اصل «ولایت فقیه» بنیان گذاشت. از نگاه آیت‌الله مصباح یزدی رمز استواری، استقلال، عظمت و پایداری نظام جمهوری اسلامی ایران، پابندی به اصل ولایت فقیه است؛ از این رو، با توجه به تأثیرگذار بودن این اصل مهم در حفظ و بقای نظام جمهوری اسلامی است که دشمنان نظام یکی از اهداف راهبردی خود، تضعیف اصل «ولایت فقیه» را هدف قرار داده‌اند؛ (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۸۱-۸۰) بنابراین، از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی نظام جمهوری اسلامی ایران که بر اساس و اصول اسلامی و با تکیه بر اصل ولایت فقیه تشکیل شده است، تا وقتی پایدار خواهد ماند که مردم و جامعه و کسانی که این نظام را پذیرفته‌اند و به عقاید اسلامی و پایبند به ارزش‌های اسلام و اندیشه ولایت فقیه معتقد باشند. ایشان هشدار داده‌اند که اگر به صورت تدریجی عقاید و

افکار اسلامی و اندیشه ولایت فقیه در جامعه فراموش شود یا در محتوایش انحرافی پدید آید یا در بُعد ارزشی، مردم ارزش‌های بنیادین اسلام و اندیشه ولایت فقیه را فراموش کنند و گرایش‌های انحرافی پدیدار شود، رفته رفته پایه‌های نظام جمهوری اسلامی سست خواهد شد و هیچ ضمانتی برای بقای آن در دراز مدت وجود نخواهد داشت. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ص ۸۷-۷۵)

نکته بسیار حائز اهمیت در میان اندیشه‌ها و آموزه‌های آیت‌الله مصباح، طرح و راهکار وی برای مقابله و مقاومت در برابر انحرافات فکری و اندیشه‌ای در جامعه اسلامی ایران است. ایشان در این مورد می‌گویند: «هیچ‌گاه نمی‌توان دور ذهن‌ها را حصار کشید تا افکار انحرافی در درون ذهن مردم راه پیدا نکند، افکار و اندیشه‌های انحرافی و غلط، خواه یا ناخواه به اذهان مردم راه پیدا می‌کند.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۱۳)

براساس راهکار آیت‌الله مصباح، راه درست و اصولی مبارزه با آفات فکری و عقیدتی این است که مردم از نظر فکری و شناخت مباحث پر اهمیت اسلامی مانند «ولایت فقیه» آن‌چنان تقویت شوند که افکار انحرافی در آن‌ها اثر نگذارد و از جنبه آگاهی دینی و عقیدتی آن‌چنان قوی باشند که تحت تأثیر شبهات واقع نشوند؛ (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ص ۲۱۰)

از این رو، یکی از مهمترین مباحث اسلامی که شایسته است با نگاه ویژه‌ای در مجامع علمی مورد بحث، بررسی و روشنگری هرچه بیشتر قرار گیرد، اندیشه «ولایت فقیه» است. چنان‌که در این رابطه آیت‌الله مصباح معتقد است، باید تلاش کرد تا اهمیت و جایگاه دینی و عقیدتی مفاهیم اسلامی مانند «ولایت فقیه» در جامعه روشن‌تر شود و مردم از نظام جمهوری اسلامی که بر پایه این اصل تأسیس شده تصور دقیق‌تر و صحیح‌تری داشته باشند و ضرورت آن را درک کنند تا بتوانند در مقابل مکاتب و نظریات مخالف، از اندیشه‌های خود دفاع نمایند و تنها به

شعار اکتفا نکنند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۱۳)

بنابراین، از سخنان و بیانات ایشان می‌توان چنین برداشت کرد که در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام حق بر پا داشتن حکومت اسلامی و حاکمیت بر جامعه اسلامی، برعهده مجتهد جامع الشرایط یا ولی فقیه است. در این حکومت، تمامی اداره امور اجتماعی - سیاسی جامعه اسلامی بر عهده ولی فقیه است و در واقع هر آنچه از مسؤلیت‌ها و اختیاراتی که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام از آن برخوردار بوده‌اند، ولی فقیه نیز آن اختیارات و مسؤلیت‌ها را در اداره امور جامعه اسلامی خواهد داشت.

هم‌چنین بر اساس اندیشه‌های آیت‌الله مصباح، در جامعه اسلامی ایران نیز عمود اصلی و محوری‌ترین بنیاد تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، اندیشه ولایت فقیه و ولی فقیه است. ایشان اعتقاد دارد که مهم‌ترین عامل ثبات نظام جمهوری اسلامی ایران، ولی فقیه است و استمرار و پایداری این نظام در گرو اعتقاد راسخ به اندیشه ولایت فقیه و اطاعت از دستورات و فرامین ولی فقیه در جامعه است. برای آگاه ساختن هرچه بیشتر مردم از جایگاه و اهمیت ولی فقیه در جامعه، باید اصل ولایت فقیه برای مردم جامعه از جنبه‌های مختلف مورد شناخت قرار گیرد؛ زیرا شناخت این اصل و آگاهی علمی و اصولی از جایگاه واقعی ولی فقیه در جامعه اسلامی، باعث می‌شود تا مردم با پی بردن به اهمیت وجود ولی فقیه برای حیات نظام جمهوری اسلامی ایران، در برابر انحرافات فکری که عمدتاً از طرف دشمنان نظام طرح می‌شود، به خوبی مبارزه و مقابله کنند.

علاوه بر موارد ذکر شده، با توجه به تفکرات آیت‌الله مصباح چنین بدست می‌آید که در

۴۱ زمان حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام مصالح عمومی جامعه مسلمین از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده و اساس عملکرد پیامبر و امامان معصوم، در حکومت اسلامی

قرار داشته است. در جامعه اسلامی ایران نیز ولی فقیه با در نظر گرفتن این مسئله مهم و هم‌چنین با آگاهی و اشراف کامل نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی اقشار گوناگون مردم جامعه و تلاش برای برطرف ساختن آن‌ها، باعث ایجاد امیدواری در مردم و همین‌طور تحکیم پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران شده است.

جنبه‌های مختلف شناخت اندیشه ولایت فقیه جدول شماره (۱)	
جایگاه و اهمیت نظریه	اهمیت علمی نظریه ولایت فقیه
ولایت فقیه از نگاه آیت	ادله اثبات عقلی و نقلی ولایت فقیه
الله مصباح یزدی	ولایت تشریحی فقیه

۱-۱) اهمیت علمی نظریه «ولایت فقیه»

همان‌طور که اشاره شد از نگاه آیت الله مصباح یزدی مهم‌ترین رکن در تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران، اصل «ولایت فقیه» است. این نظریه دارای اساس و اصول علمی است. بدین صورت که از نظر علمی و از دیدگاه اسلامی مسئله ولایت فقیه، نظریه‌ای در فلسفه سیاست است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۱۶)

مبانی علمی و سیاسی در نظریه ولایت فقیه بر این اصل مهم استوار است که حق حاکمیت، ذاتی هیچ فردی از افراد انسان نیست و خود به خود برای هیچ‌کس تعیین ندارد. در حقیقت نسبت به هیچ فردی این‌گونه نیست که وقتی از پدر و مادر متولد می‌شود خود به خود دارای یک حق قانونی برای حکومت کردن باشد و حق حاکمیت میراثی نیست که از پدر و مادر به او منتقل شود؛ بلکه مشروعیت حاکم و حکومت باید از جا و منبع دیگری ناشی شود.

(مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۴)

از این رو، اهمیت علمی نظریه «ولایت فقیه» از نگاه آیت‌الله مصباح به این مبحث مهم اشاره دارد که نظریه ولایت فقیه در فلسفه سیاست، در واقع به یک نوع ساختار سیاسی مستقل و مجموعه‌ای از تشکیلات سیاسی - اجتماعی اشاره دارد. در این ساختار سیاسی مبنا و معیار حکومت، احکام و قوانین اسلامی و در کل شریعت اسلام است. در رأس این ساختار سیاسی، ولی فقیه وجود دارد که مسئول همه امور سیاسی - اجتماعی جامعه اسلامی است.

آیت‌الله مصباح یزدی با استناد به آیه شریفه «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»؛ ۱ «همه آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن خداست» تشریح می‌کند که خدا تنها منبع ذاتی مشروعیت حکومت است و حق حکومت و حاکمیت اصالتاً و در درجه اول از آن خدای متعال است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۱۸) وی معتقد است، این مسئله از نظر علمی و عملی، عامل تفاوت بنیادین نظریه ولایت فقیه و فلسفه سیاسی اسلام با بسیاری از دیگر مکاتب علمی و سیاسی دنیاست؛ البته در توضیح این مسئله لازم به ذکر است که از نگاه آیت‌الله مصباح، حکومت کردن به معنای خاص آن و این که کسی در کارها مباشرت داشته باشد و امور جامعه را مستقیماً اداره کند، به افراد جامعه اختصاص دارد و این معنا بر خداوند متعال صدق نمی‌کند؛ اما به معنای وسیع‌تری که حق حاکمیت ذاتی و تعیین حاکم را شامل شود، مخصوص خداوند متعال است. این مالکیت حقیقی که در واقع ناشی از یک نوع رابطه تکوینی است که در آن هستی مملوک، ناشی از هستی و وجود مالک است که اصطلاحاً به آن رابطه علت هستی بخش و معلول گفته می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۲۹۳)

در حقیقت می‌توان گفت، از نگاه آیت‌الله مصباح، حکومت ولایت فقیه منشأ و مبنای خدایی و دینی دارد. این امر مهم وجه تمایز حکومت ولی فقیه با تمام ساختارهای سیاسی

موجود در دنیاست. بر اساس اندیشه‌های دینی در حکومت اسلامی ولایت فقیه، هر آنچه هست متعلق به خداست و خداوند مالک و عامل وجودی این حکومت است. در این حکومت عملکرد ولی فقیه در همه حال جلب رضای خداوند و در نظر داشتن مصالح عمومی جامعه مسلمین است.

از دیگر ابعاد علمی نظریه «ولایت فقیه» از دیدگاه آیت‌الله مصباح، بحث عدم جدایی دین از سیاست است. ایشان معتقد است، این تفکر که دین و سیاست هیچ ارتباطی با هم ندارند و صرفاً پرداختن به امور دینی کار عالمان دین و تصدی امور سیاسی و اداره امور جامعه هم مربوط به سیاست‌مداران است و این دو حوزه از هم جدا هستند، کاملاً غلط است؛ زیرا از نگاه آیت‌الله مصباح در دین اسلام به مناسبات دینی، اجتماعی، سیاسی و حکومتی در ارتباط با هم توجه خاصی شده و نماد علمی و عملی این اندیشه، اصل «ولایت فقیه» است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ص ۳۵-۳۴)

به نظر می‌رسد که از نگاه ایشان، قلمرو دین تنها به حوزه‌ی مسائل عبادی محدود نیست؛ بلکه شامل مسائل سیاسی و اجتماعی نیز می‌شود. ایشان بر این عقیده است که نشر و ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست و تلاش برای از هم گسستن و مرزبندی میان اعمال دینی با فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی در جامعه اسلامی، در واقع یکی از نقشه‌ها و اقدامات دشمن برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین، از نگاه آیت‌الله مصباح ولی فقیه نماد کامل عدم جدایی تفکرات دینی و اسلامی از اندیشه‌های سیاسی در اداره امور اجتماعی جامعه اسلامی است؛ به عبارت دیگر، اندیشه ولایت فقیه بازتاب در هم تنیدگی و همکاری دین و سیاست در اداره امور اجتماعی جامعه است. اینک با توجه به این امر باید گفت، شناخت و پایبندی مردم به این مسئله مهم در جامعه، نقش مستقیمی در پایداری و

تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران دارد.

۱-۲) ادله اثبات «ولایت فقیه»

از نگاه آیت‌الله مصباح یزدی با استناد بر ادله نقلی، آیات و روایات و هم‌چنین با استفاده از عقل و دلایل عقلی معتبر نیز می‌توان به حکمی از احکام شریعت دست یافت و آن را اثبات کرد؛ از این رو، ایشان اثبات ولایت فقیه را از دو جنبه ادله عقلی و نقلی مدنظر قرار داده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۰)

۱-۲-۱) ادله عقلی

یکی از مهم‌ترین مباحث در ادله عقلی اثبات اندیشه «ولایت فقیه» که بسیاری از مکاتب علمی - سیاسی و اندیشمندان حوزه علوم سیاسی نیز آن را قبول دارند، پذیرش اصل ضرورت حکومت برای جامعه است؛ زیرا اصولاً زندگی اجتماعی انسان‌ها، در درون نظام سیاسی و حکومت شکل می‌گیرد و در عمل نیز جامعه بدون وجود یک قدرت سیاسی برای اداره امور زندگی اجتماعی مردم، به آشفتگی و هرج و مرج کشیده می‌شود؛ بنابراین، جامعه به حاکم (خواه ظالم خواه عادل) نیاز دارد. چنان‌که در این مورد حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ إِمیرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ...»؛^۱ «مردم به ضرورت، باید حاکمی داشته باشند، نیکوکار باشد یا بدکار».

بر اساس آموزه‌های آیین اسلامی لازمه اجرای احکام اجتماعی اسلام، تشکیل حکومت است و کامل‌ترین نوع آن حکومت معصوم علیه السلام است؛ اما مسئله مهمی که در شرایط کنونی جامعه اسلامی با آن مواجه است این‌که در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام با توجه به دسترسی

۱. نهج البلاغه، خطبه ۴۰، ص ۸۳.

نداشتن مردم به امام و حاضر نبودن وی در بین مردم و با در نظر گرفتن این که نمی شود احکام اجتماعی اسلام را تعطیل کرد، تکلیف مردم و جامعه اسلامی چه می شود؟ آیت الله مصباح معتقد است، در این شرایط عقل حکم می کند که اجازه اجرای احکام اجتماعی اسلام به کسی که اصلح از دیگران است داده شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۸۹-۸۷)

از نگاه ایشان با توجه به آنکه بهترین نوع حکومت برای اداره امور اجتماعی جامعه اسلامی، حکومتی است که معصوم در رأس آن باشد و با توجه به محروم بودن مردم در دسترسی به چنین حکومتی در عصر غیبت، باید حکومتی اداره امور جامعه را در دست بگیرد که بیشترین شباهت را به حکومت معصوم داشته باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱) چنانکه وی در این مورد نیز می نویسد:

هنگامی که تأمین و تحصیل یک مصلحت لازم و ضروری در حد مطلوب و ایده آل آن میسر نباشد باید نزدیک ترین مرتبه به حد مطلوب را تأمین کرد؛ بنابراین، هنگامی که مردم از مصالح حکومت معصوم علیه السلام محروم هستند باید به دنبال نزدیک ترین مرتبه به حکومت معصوم باشیم. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۸۵)

در اینجا مقصود آیت الله مصباح آن است که در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام اداره امور جامعه مسلمین نمی تواند به حال خود رها شده و برطرف ساختن مسائل و مشکلات اجتماعی مردم جامعه اسلامی یک ضرورت است. از طرفی در آیین اسلام این ضرورت به خوبی درک شده و وجود حکومت به عنوان یکی از ضروری ترین نیازهای جامعه انسانی مورد تصدیق و تأیید قرار گرفته است؛ با توجه به این امر مهم، آیت الله مصباح اعتقاد دارد در شرایط کنونی که مردم به حکومت معصوم که همان حد مطلوب و ایده آل است، دسترسی ندارند؛ بنابراین، مردم برای برطرف ساختن مسائل و امور اجتماعی باید به حکومت اسلامی ولی فقیه

که همان نزدیک‌ترین مرتبه به حد مطلوب است، روی بیاورند. در واقع از نگاه آیت‌الله مصباح، مطلوب‌ترین نوع حکومت برای انجام امور جامعهٔ مسلمین در شرایط غیبت امام زمان علیه السلام حکومتی است که ولی فقیه در رأس آن باشد.

البته لازم به ذکر است که ایشان برای شخصی که شایستگی ادارهٔ امور جامعهٔ اسلامی را در زمان غیبت امام زمان (عج) داشته باشد، تحت عنوان «شخص اصلح» نام برده و به سه ویژگی لازم و ضروری برای وی اشاره داشته است؛ وی فقاقت یا علم به احکام کلی اسلام، شایستگی روحی و اخلاقی به گونه‌ای که تحت تأثیر هواهای نفسانی و تطمیع‌ها قرار نگیرد (تقوا) و کارایی لازم و کارآمد برای مدیریت جامعه را از ویژگی‌های شخص حاکم بر نزدیک‌ترین حکومت به معصوم علیه السلام بر شمرده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ص ۹۰؛ همان، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸) آیت‌الله مصباح معتقد است، در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام کسی که بیشتر از سایر مردم واجد این ویژگی‌ها و خصوصیات باشد باید زعامت و پیشوایی جامعه را عهده‌دار شود و با قرار گرفتن در رأس حکومت، ارکان آن را هماهنگ کرده و احکام اجتماعی اسلام را اجرایی کند. از دیدگاه ایشان چنین کسی ولی فقیه یا مجتهد جامع‌الشرایط است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۸۵)

می‌توان گفت وجود چنین شخصی با ویژگی‌های ذکر شده در رأس نظام جمهوری اسلامی ایران می‌تواند عامل تداوم و استحکام نظام باشد.

۲-۲-۱) ادلهٔ نقلی

در ادلهٔ نقلی اثبات اصل ولایت فقیه، روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهد فقها در زمان غیبت عهده‌دار ادارهٔ امور جامعه‌اند. در میان روایت‌های متعددی که در مورد ادلهٔ نقلی اثبات ولایت فقیه وجود دارد، دو روایت از همه مشهورتر است. یکی روایت معروف به «توقیع

شریف» که توسط حضرت ولی عصر (عج) در جواب نامه شخصی به نام اسحاق به یعقوب نوشته شده است. دیگری نیز روایت مشهور به «مقبوله عمر بن حنظله» است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۹۶؛ همان، ۱۳۹۴، ص ۲۰۲-۱۹۱؛ همان، ۱۳۶۹، ص ۱۶۰)

روایتی که در بین فقها به «توقیع شریف» مشهور است، توسط شیخ صدوق^۱ در کتاب اکمال الدین روایت شده است. اسحاق بن یعقوب در این نامه در مورد «حوادث واقعه» از ولی عصر (عج) سؤال می‌پرسد:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»؛ اما رخدادهایی که پیش می‌آید پس به راویان ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم. (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ص ۴۸۴)

در این روایت دو اصطلاح «حوادث واقعه» و «راویان حدیث» برای اثبات ادله نقلی ولایت فقیه از اهمیت زیادی برخوردارند؛ از نگاه آیت‌الله مصباح مقصود اسحاق بن یوسف از «حوادث واقعه» در سؤال از حضرت ولی عصر (عج) این است که در مورد مسائل و مشکلات اجتماعی جامعه اسلامی که در زمان غیبت شما پیش می‌آید، وظیفه ما چیست و به چه مرجعی باید مراجعه کنیم؟ (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۹۹) آن حضرت در جواب فرمودند، به «راویان حدیث» مراجعه کنید و منظور از «راویان حدیث» در واقع همان فقها و علمای دین‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ص ۲۰۱-۱۹۹)

بر مبنای روایت «توقیع شریف» آیت‌الله مصباح معتقد است، امام زمان (عج) در زمان غیبت، وظیفه برطرف کردن مسائل، مشکلات و رخدادهای اجتماعی جامعه اسلامی را برعهده فقها و علمای دین گذاشته است. این بدان معناست که در تمامی مواردی که امام زمان

۱. ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق قمی و ابن بابویه (متوفی ۳۸۱ ه ق) از علمای شیعه در قرن چهارم هجری قمری و از عالمان علم حدیث است.

(عج) بر مردم حجت است، فقهای شیعه نیز حجت امام بر مردم‌اند. در واقع فقها در تمامی امور از آن جمله امور سیاسی- اجتماعی حجت امام بر مردم‌اند و مردم وظیفه دارند در صورت دسترسی نداشتن به امام، به ایشان مراجعه کنند؛ به عبارت دیگر روایت «توقیع شریف» بر آن دلالت دارد که اداره همهٔ اموری که مربوط به امام معصوم در جامعه است، در عصر غیبت بر عهدهٔ ولی فقیه است.

بنابراین، این روایت مهم دلالت بر وجود ولی فقیه در جامعه اسلامی در زمان غیبت دارد و هم چنین نشان دهنده آن است که برای نظام جمهوری اسلامی ایران و مردم جامعه اصل ولایت فقیه یک ضرورت است؛ زیرا جامعه با رویدادها و حوادث مختلفی مواجه می‌شود که در این مواقع ولی فقیه با حل و فصل کردن این مسائل و مشکلات، باعث حیات و استحکام نظام جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

روایت دیگری که در ادلهٔ نقلی اثبات اندیشه ولایت فقیه می‌توان به آن استناد کرد، حدیثی است که به «مقبوله عمر بن حنظله» مشهور است. در این حدیث امام صادق علیه السلام در مورد تکلیف مردم در حل اختلافات و رجوع به یک منبع صلاحیت‌دار می‌فرمایند:

مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيُرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَعَلَيْنَا زَدٌّ وَالرَّأدُّ عَلَيْنَا الرَّأدُّ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۸) هر کس از شما که راوی حدیث ما باشد و در حلال و حرام ما بنگرد و صاحب نظر باشد و احکام ما را بشناسد، او را به داوری بپذیرید. همانا من او را حاکم بر شما قرار دادم.

پس هرگاه حکمی کرد و از او قبول نکردند، حکم خدا را سبک شمرده‌اند و ما را رد کرده‌اند و آن کسی که ما را رد کند خدا را رد کرده و رد کردن خدا در حدّ شرک به خدای متعال است.

آیت الله مصباح معتقد است، منظور امام صادق علیه السلام فقها و علمای دین است که آنها را حاکم بر مردم شناخته‌اند. نکته حائز اهمیت آنکه امام صادق علیه السلام حکم فقیه را مانند حکم خویش قرار داده است. در این مورد آیت الله مصباح اعتقاد دارد، همان طور که اطاعت از حکم معصوم علیه السلام واجب و ضروری است، اطاعت حکم فقیه ولی فقیه نیز واجب و الزامی است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۱؛ همان، ۱۳۸۵، ص ۵۹)

از نگاه آیت الله با توجه به «مقبوله عمر بن حنظله» مقصود از راویان حدیث که از طرف امام صادق علیه السلام به عنوان حاکم بر جامعه اسلامی شناخته شده‌اند، فقها و به صورت مشخص ولی فقیه است. بر اساس این روایت ولی فقیه در زمینه حاکمیت و اداره امور اجتماعی جامعه اسلامی دارای جایگاهی هم‌شان با امام معصوم علیه السلام است؛ زیرا امام صادق علیه السلام فرموده: رد کردن حکم وی در رده رد کردن حکم معصوم و شرک به خداوند متعال محسوب می‌شود.

در مجموع از دیدگاه آیت الله مصباح با توجه به دلایلی عقلی و نقلی ذکر شده، تردیدی وجود ندارد که در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام تنها ولی فقیه یا مجتهد جامع الشرایط است که از طرف خداوند متعال و امام معصوم علیه السلام اذن حکومت و حاکمیت و همچنین اداره امور جامعه اسلامی به او داده شده است.

بنابراین، در شرایط کنونی و با توجه به برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران که اداره آن به دست ولی فقیه است، در واقع می‌توان گفت، این نظام، نزدیک‌ترین حکومت به حکومت معصوم علیه السلام است؛ بنابراین، همان طور که اطاعت از امام معصوم واجب است، در شرایط کنونی نیز اطاعت از ولی فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران، امری ضروری و واجب برای مردم جامعه ماست. به نظر می‌رسد این دیدگاه در مورد ولی فقیه و ارائه ادله عقلی و نقلی اثبات اصل ولایت فقیه باید در جامعه و مجامع دینی و علمی بیشتر مورد بحث و بررسی و

واکاوی علمی و اندیشمندانه قرار گیرد، تا برای مردم جامعه اسلامی ایران ضرورت و لزوم اطاعت از مقام ولی فقیه در جامعه آشکارتر شود. در این مورد می‌توان گفت، شناخت و آگاهی بیشتر از اندیشه «ولایت فقیه» و ضرورت اطاعت از وی که هم‌پایه اطاعت از معصوم علیه السلام است، بدون شک در تحکیم و استحکام پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران که بر اساس و رکن ولایت فقیه تشکیل یافته است، تأثیر مستقیم دارد.

۱-۳) ولایت تشریحی فقیه

«ولایت تشریحی» از جمله مباحثی است که در مورد اداره امور جامعه برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امامان معصوم علیهم السلام و فقیه اهمیت خاصی دارد. ولایت تشریحی مقام و منصب قانونی است؛ (سبحانی، ۱۳۸۵: ص ۱۷) یعنی این مقام از طرف خداوند متعال به فردی داده می‌شود و در آن فرد از طریق وضع قوانین دینی و احکام شرع (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۲۶۷) و اجرای آنها در زندگی مردم و افراد جامعه تصرف می‌کند و اثر آن نیز سلطه بر امور شرعی و اجتماعی مسلمین است. (همتی، ۱۳۶۳: ص ۸۱)

آیت‌الله مصباح در این مورد با استناد به آیه «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»؛^۱ پیغمبر اولی‌تر و سزاوارتر به مؤمنان از خودشان است، تشریح می‌کند، تصمیمی را که پیامبر برای یک فرد مسلمان یا جامعه اسلامی می‌گیرد لازم‌الاجراست و بر تصمیمی که خود آن‌ها در باره مسائل فردی و شخصی خودشان گرفته‌اند نیز مقدم است و اولویت دارد.

در واقع از نگاه آیت‌الله مصباح، جامعه نیاز به یک مرکز قدرتی دارد که در حل و فصل مسائل اجتماعی تصمیم‌گیرنده نهایی باشد. در این آیه خداوند این نقطه مرکزی قدرت را که در رأس هر قدرت قرار دارد، مشخص کرده است؛ بنابراین، ولایت فقیه به معنای حق تصرف،

۱. احزاب، ۶.

حق تشریح و قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری و اجرایی است که در مورد اداره امور جامعه و مسائل اجتماعی برای فقیه قائل می‌شویم و دیگران نیز ملزم و مکلف به رعایت این حق و اطاعت از تصمیم‌ها، دستورات و قوانین‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۸۰) وی در این مورد، مثال جالب توجهی را ذکر می‌کند که امام خمینی علیه السلام در جلسات درسشان مطرح می‌کردند که اگر حاکم جامعه اسلامی به من بگوید، این عبايت را بده! باید بگوییم، چشم و بدهم؛ زیرا اگر مصلحت جامعه اسلامی چنین اقتضا کرده که ولی فقیه چنین تشخیص داده که به عباي من نیاز دارد اگر امر کند که عبايت را بده، من باید اطاعت کنم و عبايم را بدهم. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۸۱)

بنا بر این، بر اساس اندیشه‌های آیت‌الله مصباح مسئله‌ای که در ارتباط با اداره امور اجتماعی جامعه وجود دارد، ولایت تشریحی فقیه است. ولایت تشریحی فقیه بدان معنی است که ولی فقیه در زمینه مصالح عمومی جامعه مسلمین این حق را دارد که از طریق جعل و وضع قوانین و اجرای آن‌ها در زندگی مردم تصرف کند و دیگران نیز ملزم به تسلیم در برابر او و رعایت آن‌ها باشند؛ از این رو، بر اساس ولایت تشریحی فقیه ولی فقیه برای اداره امور جامعه اسلامی و بنا بر مصالح عمومی مسلمین و در محدوده احکام و قوانین اسلامی این اختیارات را دارد که تصمیماتی را اختیار کند و مردم نیز ملزم به رعایت آن‌هایند. آیت‌الله مصباح با اشاره به اجابت امر حاکم جامعه اسلامی توسط امام خمینی علیه السلام حتی در مورد عبايش که یک وسیله شخصی است، در واقع به این مسئله مهم اشاره داشته است که اولاً تمامی فرامین و دستورات حاکم جامعه اسلامی یا ولی فقیه مبتنی بر مصلحت جامعه اسلامی است و مصالح عمومی جامعه مسلمین اساس و معیار تصمیم‌گیری ولی فقیه قرار دارد. ثانیاً وظیفه مردم است که تمامی دستورات و اوامر ولی فقیه را که بر اساس مصالح آن‌ها اتخاذ شده است، اجابت کنند.

این حقیقتِ معنای ولایت فقیه است که باید یک ارزش برای مردم در جامعه اسلامی ایران شود و از دستورات و فرامین ولی فقیه که بر اساس مصلحت و اقتضای نظام جمهوری اسلامی است، اطاعت کامل شود؛ زیرا این امر مهم نقش بسزایی در حیات نظام جمهوری اسلامی ایران دارد.

۲) نقش مردم در حکومت ولایی و تأثیر آن در استمرار و تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی

در تاریخ اسلام مردم همواره نقش مهمی در حکومت اسلامی و هم‌چنین در تغییر و تحولات اجتماعی جامعه داشته‌اند. در زمان پیامبر ﷺ مردم نقش اساسی در تشکیل حکومت اسلامی داشتند؛ بدین گونه که نقش مردم در تحقق و استقرار حکومت پیامبر ﷺ صد در صد بود و تمام تأثیر مربوط به کمک مردم بود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۵۷) سپس در زمان حضور ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز مانند زمان پیامبر ﷺ مردم عامل استقرار و تحقق حکومت و حاکمیت اسلامی در جامعه بودند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۶۲)

در شرایط کنونی؛ یعنی در زمان غیبت امام زمان (عج) نیز بنا به اعتقاد اکثریت فقهای شیعه، حاکم جامعه اسلامی ولی فقیه یا مجتهد جامعه‌الشرایط است که از طرف خداوند و امام زمان (عج) نصب عام شده است. نصب عام به این معنی که شخص خاصی از طرف امام زمان معرفی نشده است؛ بلکه برای مجتهد جامع‌الشرایط مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و خصوصیات بیان شده و هرکس این ویژگی‌ها را داشته باشد، مرجعیت او مورد قبول و رضای خدا و امام زمان (عج) قرار می‌گیرد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ص ۷۳)

از دیدگاه آیت‌الله مصباح درست است، در حکومتی که در زمان غیبت امام زمان (عج) و با محوریت ولی فقیه تأسیس شده است، مشروعیت ولی فقیه یا مجتهد جامع‌الشرایط مانند

زمان پیامبر ﷺ و امامان معصومین از طرف خداست؛ اما این به معنای بی‌توجهی به نقش و تأثیر مردم در ساختار حکومت ولایی ولی فقیه نیست؛ بلکه در نظامی که ولی فقیه در رأس آن قرار دارد، نقش مردم پُررنگ و تأثیرگذار است. طوری که تحقق و استقرار یافتن عملی حکومت و حاکمیت ولی فقیه در زمان غیبت امام زمان (عج)، کاملاً به پذیرش جامعه و مقبولیت مردم وابسته است؛ یعنی این مردم هستند که زمینه تشکیل و عینیت بخشیدن به این حاکمیت را فراهم می‌کنند و تا مردم نخواهند نظام اسلامی محقق و برقرار نخواهد شد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ج ۱، ص ۲۷؛ همان، ۱۳۸۳، ص ۳۰۳)

در واقع می‌توان گفت، یکی از مهم‌ترین عوامل در ثبات سیاسی پایدار و بلند مدت حکومت‌ها، نقش مردم است؛ یعنی اگر مردم از یک نظام سیاسی پشتیبانی و حمایت کنند، آن نظام دارای ثبات سیاسی خواهد بود و استمرار داشته و پایه‌های آن تحکیم خواهد شد؛ بنابراین، در حکومت اسلامی ولی فقیه نیز نقش و تأثیر مردم نه تنها عینیت بخشیدن و عملی کردن تشکیل حکومت است؛ بلکه مردم باعث داوام و استمرار این حکومت شده و با حضور در عرصه‌های مختلف باعث استحکام پایه‌های حکومت اسلامی ولایت فقیه می‌شوند.

بر این اساس و در شرایط کنونی از همان ابتدای تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران، بنیانگذار این نظام حضرت امام خمینی علیه السلام نقش و حضور مردم را در تمام عرصه‌های نظام لازم و ضروری دانستند و برای نقش و حضور مردم احترام ویژه‌ای قائل بودند. حضرت امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرمایند: «اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد؛ اگر یک ملت پشتیبان یک رژیم باشد؛ آن رژیم از بین نخواهد رفت.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۷۲) همان گونه که امروزه نیز رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه‌ای نقش مردم و حضور مردم را در صحنه‌های مختلف نظام، راهگشای بسیاری از

مشکلات جامعه قلمداد کرده و برای نقش مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران ارزش زیادی قائل‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۲: ص ۱۷)

از دیدگاه آیت‌الله مصباح نیز مردم در ساختار حکومت اسلامی ولی فقیه از جایگاه پُراهمیتی برخوردارند. این ارزش و اعتبار مردم آن‌چنان است که آیت‌الله مصباح نقش مردم در حکومت ولایی را با نقش مردم در صدر اسلام و در زمان تشکیل حکومت اسلامی پیامبر ﷺ مقایسه کرده است. ایشان معتقد است، همان‌طور که نقش مردم در حکومت پیامبر ﷺ صد در صد بود، در حکومت ولایت فقیه نیز نقش مردم صد در صد است. آیت‌الله مصباح برای بااهمیت جلوه دادن نقش مردم در حکومت ولایی، به این نکته اشاره کرده است که اگرچه مشروعیت ولی فقیه از طرف خدا و پیامبر ﷺ و امام معصوم ﷺ است و هیچ‌گاه از بین نمی‌رود؛ اما از لحاظ عملی تا ولی فقیه در نزد مردم مقبولیت نداشته باشد و مردم حکومت ولی فقیه را نپذیرند، به‌صورت عملی حکومت اسلامی مبتنی بر اصل ولایت فقیه تشکیل نمی‌شود؛ بنابراین، از نگاه آیت‌الله مصباح این مردم‌اند که عامل تحقق و عینیت بخشیدن عملی به شکل‌گیری حکومت ولی فقیه در جامعه‌اند. نکته حائز اهمیت آن‌که از دید ایشان مردم نه‌تنها عامل تحقق عملی حکومت ولی فقیه‌اند؛ بلکه حضور و نقش مردم، عامل بسیار بااهمیتی در تداوم و استمرار حکومت ولایی است. در مجموع می‌توان گفت، آیت‌الله مصباح مردم را هم مهم‌ترین عامل تحقق و عینیت یافتن عملی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران می‌داند و هم آنها را عامل بسیار مهمی در استمرار و تحکیم پایه‌های این نظام دانسته است.

۳) ولی فقیه، قانون اساسی و نقش آن در تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران از نگاه آیت الله مصباح یزدی

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در ارتباط با اندیشه «ولایت فقیه» مطرح می‌شود، رابطه ولی فقیه با قانون اساسی در کشور است. در این مورد ابتدا باید گفت، حکومتی که در رأس آن ولی فقیه قرار دارد ملزم و مکلف است، در چهارچوب احکام و قوانین اسلامی عمل کند. در واقع هدف از تشکیل حکومت ولایی اجرای فرامین و احکام اسلامی است. چنان‌که ولی فقیه حتی در یک مورد عمداً و از روی علم نمی‌تواند برخلاف احکام و قوانین اسلامی و مصالح جامعه اسلامی عمل کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۱۱۵)

از نگاه آیت‌الله مصباح یزدی قانونی در جامعه معتبر و قابل احترام است که منبع و سرچشمه آن خدا و دین باشد. در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز قانون اساسی به این جهت معتبر است که به تأیید ولی فقیه رسیده است. ولی فقیه کسی است که منصوب از جانب امام زمان (عج) است و امام زمان (عج) منصوب از جانب خداوند است؛ بنابراین، قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران که به تأیید ولی فقیه رسیده است، منبع و منشأ خدایی و دینی دارد و این قانون اساسی مشروعیت خود را از ولایت فقیه گرفته است؛ بنابراین، در جامعه دارای اعتبار است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ص ۱۸۶-۱۸۵)

البته اینکه قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران به تأیید ولی فقیه رسیده و مشروعیت خود را از ولی فقیه گرفته است، نباید این ذهنیت را برای مردم جامعه ایجاد کند که ولی فقیه تابع هیچ قانونی نیست. در اینجا تذکر یک نکته بسیار ضروری است که معیار حکومت ولی فقیه، محدوده و چهارچوب قوانین و احکام اسلام و مصالح جامعه اسلامی است؛ یعنی در واقع ولی فقیه تابع همان احکام و قوانینی است که مبنای عمل پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام بوده است؛ بنابراین، با توجه به آنچه پیشتر ذکر شد، ولی فقیه باید دارای

ویژگی‌هایی مانند تقوا و مدیریت کارآمد در اداره امور جامعه اسلامی باشد و با در نظر گرفتن پای‌بندی ولی فقیه به احکام و قوانین اسلامی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که ولی فقیه نه تنها ضامن سلامت و استمرار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است؛ بلکه از این طریق عامل بسیار مهمی در تحکیم و تقویت پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران نیز هست.

هم‌چنین در مورد رابطه ولایت فقیه با قانون اساسی موجود در کشور می‌توان چنین مطرح کرد که از یک سو وظایف و اختیارات ولی فقیه بر اساس دیدگاه آیت‌الله مصباح در چهارچوب احکام اسلامی و فرامین دینی اسلام و مبتنی بر مصالح عمومی جامعه مسلمانان است و از سوی دیگر قانون اساسی موجود در کشور بر اساس شریعت اسلام بنیان گذاشته شده است؛ بنابراین، همان شرطی را که آیت‌الله مصباح برای اعتبار قانون اساسی در نظر گرفته بود که قانونی دارای اعتبار است که منشأ خدایی و دینی داشته باشد، دارد؛ بنابراین، می‌توان به این نتیجه دست یافت که از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی نه تنها وظایف و اختیارات ولی فقیه هیچ تضادی با قانون اساسی موجود در کشور ندارد؛ بلکه قانون اساسی که به تأیید ولی فقیه که مشروعیتش از جانب خدا و امام معصوم علیه السلام است، رسیده است دارای اعتبار و مشروعیت و ضمانت اجرایی در جامعه است.

۴) ولایت مطلقه فقیه و نقش آن در تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران از نگاه آیت‌الله مصباح یزدی

ولایت مطلقه فقیه بدان معناست که ولی فقیه، در اداره امور سیاسی - اجتماعی جامعه اسلامی تمام اختیاراتی را دارد که امام معصوم علیه السلام از آن برخوردار بوده است. در واقع ولایت مطلقه فقیه با ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام هیچ تفاوتی ندارد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۵) امام خمینی رحمته الله علیه در این مورد می‌فرماید: «ولایت فقیه همان ولایت رسول

اللهم صلِّ على محمد وآل محمد است.»

قابل ذکر است که واژه «مطلقه» در ولایت مطلقه فقیه به معنای استبداد یا دیکتاتور بودن ولی فقیه نیست؛ زیرا در «حکومت‌های استبدادی که مردم در آن، «رعایا» یا «گله» خوانده می‌شوند، قدرت کاملاً و مطلقاً در دست شاه است و هیچ قانون نوشته یا نانوشته‌ای نمی‌تواند قدرت شاه را محدود کند»؛ (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۲: ص ۳۵۳) اما در حکومت اسلامی، حاکمیت ولی فقیه محدود به چهارچوب قوانین و احکام اسلامی است و همان‌طور که پیش از این ذکر شد، ولی فقیه نمی‌تواند برخلاف رضای خدا و احکام و قوانین اسلامی عمل کند. کلمه «مطلقه» در ولایت مطلقه فقیه به مطالب مهمی اشاره دارد. یکی اینکه ولایت مطلقه فقیه در مقابل ولایت محدودی است که فقها در دوره حکومت طاغوت داشتند. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به علت آن چه «عدم بسط‌ید» نامیده می‌شود، فقهای شیعه به علت محدودیت‌ها و موانعی که از طرف حکومت‌ها برای آن‌ها وجود داشت، امکان دخالت در امور اجتماعی مردم را به جز در موارد محدودی نداشتند؛ اما با تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران توسط حضرت امام خمینی علیه السلام، امام خود در جایگاه فقیهی که در رأس حکومت قرار داشت، تمام اختیارات ولی فقیه یا مجتهد جامع الشرایط را برای اداره امور جامعه در دست گرفت؛ بنابراین، ولایت مطلقه فقیه در مقابل ولایت محدود فقیه در دوره استبداد به کار رفت. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ص ۲۷۷-۲۷۴)

نکته دیگری که مطلقه بودن ولایت فقیه بدان اشاره دارد، آن است که هنگامی که ولی فقیه در رأس حکومت قرار می‌گیرد، اختیارات و حقوقی که امام معصوم علیه السلام برای اداره امور جامعه اسلامی داشته است، تمام آن اختیارات برای ولی فقیه نیز وجود دارد و از این لحاظ بین ولی فقیه و امام معصوم علیه السلام هیچ تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا هرگونه محدودیت در زمینه

اختیارات و حقوق ولی فقیه باعث از دست رفتن مصالح عمومی و آسیب وارد شدن به جامعه اسلامی می‌شود؛ بنابراین، لازم است، ولی فقیه نیز مانند امام معصوم علیه السلام از مطلق حقوق و اختیارات در اداره امور جامعه اسلامی برخوردار باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۹-۱۰۸) واضح است که این اختیارات مطلق ولی فقیه با توجه به عادل بودن ولی فقیه و عمل در جهت رضای خدا و چهارچوب احکام اسلامی، به استبداد و دیکتاتوری نمی‌انجامد.

مسئله دیگر در ارتباط با ولایت مطلقه فقیه آن است که دامنه اختیارات ولایت فقیه صرفاً به حدّ ضرورت و ناچاری نیست؛ بلکه مطلق است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ص ۲۷۵) بدین معنی که ولی فقیه در مورد مسائل مهم و ضروری که بر اساس مصالح عمومی مسلمین است و برای اداره امور جامعه اسلامی لازم است و توجیه عقلی و عقلایی دارد نیز مجاز به تصمیم‌گیری و استفاده از حقوق و اختیارات مطلق خود است.

اکنون با توجه به توضیحاتی که در مورد واژه «مطلقه» در «ولایت مطلقه فقیه» داده شد، آشکار می‌شود که ولایت مطلقه به این معنا نیست که ولی فقیه هرچه خواست می‌تواند انجام دهد. اختیارات و حقوق ولی فقیه درست مانند زمان حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام است. این اختیارات مطلق مانند آنچه در ساختار حکومت‌های دیکتاتوری وجود دارد، به-منزله داشتن قدرت مطلق و بدون چهارچوب خاصی نیست؛ زیرا در حکومت مطلقه ولایت فقیه اختیارات ولی فقیه در چهارچوب احکام دینی و محدوده قوانین اسلامی است و ولی فقیه در این چهارچوب به اداره امور جامعه اسلامی می‌پردازد. حال آنکه در ساختارهای سیاسی دیکتاتوری و استبدادی قدرت پادشاه هیچ حد و حصری ندارد و محدود به هیچ قانون یا قوانین نوشته یا نانوشته‌ای نمی‌شود. روشن است که در حکومت‌های دیکتاتوری همه امور باید بر اساس میل و طبع شخصی پادشاه باشد؛ اما در حکومت مطلقه ولی فقیه همه امور بر

اساس قوانین اسلامی و رضای خداوند متعال است.

بنابراین، می‌توان گفت در نظام جمهوری اسلامی ایران که ولی فقیه در رأس آن قرار دارد، معیار و چهارچوب حکومت و حاکمیت نظام را احکام و قوانین دینی و اسلامی تشکیل می‌دهد. در این نظام اختیارات مطلق ولایت فقیه از آنجایی که بر اساس فرامین و قوانین اسلامی است، نه تنها به شکل‌گیری حکومت استبدادی منجر نمی‌شود؛ بلکه باعث اداره هرچه بهتر امور جامعه و همچنین عامل استحکام و استمرار نظام جمهوری اسلامی ایران نیز می‌گردد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، بدست می‌آید که نظریه ولایت فقیه برای نخستین بار در عصر معاصر توسط امام خمینی علیه السلام کرد عملی پیدا کرد و محور تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، پی بردن به اهمیت نظریه ولایت فقیه در جامعه و درونی شدن شناخت مردم نسبت به لزوم وجود ولی فقیه برای جامعه اسلامی ایران، یک ضرورت است؛ زیرا باعث جلوگیری از پیدایش افکار و اندیشه‌های گمراه کننده در جامعه می‌شود و ذهنیت مردم را برای مقابله با انحرافات فکری در جامعه، تقویت می‌کند. بر اساس اندیشه‌های آیت‌الله مصباح جایگاه و اختیارات ولی فقیه در جامعه همان جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام است. از نگاه ایشان مردم در حکومت ولایی عامل تحقق، عینیت بخشیدن عملی و تشکیل حکومت ولی فقیه‌اند و مقبولیت و پذیرش حکومت ولایت فقیه توسط مردم جامعه اسلامی ایران عامل حیات بخش نظام جمهوری اسلامی ایران است. آیت‌الله مصباح با مقایسه نقش مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران با نقش مردم در حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، جایگاه مردم در حکومت اسلامی ولی فقیه را ارزشمند قلمداد کرده است. از نگاه ایشان نقش مردم هم در حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و هم در نظام جمهوری اسلامی

ایران صد در صد است. بر اساس تفکرات آیت‌الله مصباح ولی فقیه با داشتن اختیارات مطلق اما در چهارچوب و محدوده قوانین و احکام اسلامی، باعث اعتبار بخشیدن و ضمانت اجرایی دقیق به قانون اساسی موجود در کشور می‌شود. هم‌چنین ولی فقیه با بصیرت کامل در شناخت و برطرف ساختن مسائل و مشکلات اجتماعی جامعه، باعث شکوفایی، تحکیم و تداوم پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

تشریح نظریه «ولایت فقیه» از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی جدول شماره (۲)

مراحل	ایده و دیدگاهها	نتایج و پیامدها
		- شناخت و آگاهی مردم جامعه نسبت به اصل مهم دینی - سیاسی اسلام.
دیدگاه نخست	اهمیت و ضرورت نظریه ولایت فقیه یا مجتهد جامع‌الشرایط	- جلوگیری از ایجاد انحرافات فکری در میان مردم جامعه اسلامی پیرامون جایگاه ولایت فقیه در جامعه اسلامی.
		- روشنگری بیشتر در مورد اصل ولایت به عنوان اصل مهم و عامل حیات‌بخش، استمرار و تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران.

- اندیشه ولایت فقیه نماد عملی
 و علمی عدم جدایی دین از سیاست
 جایگاه علمی نظریه ولایت فقیه است.

دیدگاه ارانۀ ادلّۀ عقلی و نقلی اثبات - ضرورت وجود حکومت؛
 دوم ولایت فقیه جامعه تحت هر شرایطی به حکومت
 ولایت تشریحی ولی فقیه نیاز دارد.

اصل حکومت متعلق به
 خداست و از طرف او منتقل
 می‌شود.

ولایت فقیه؛ حق تشریح،
 قانون‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرایی
 و تصرف در اداره امور اجتماعی
 جامعه اسلامی را دارد.

مردم عامل استقرار، تحقّق و
 اهمیت نقش و جایگاه مردم در
 عینیت بخشیدن به تشکیل حکومت
 سوم حکومت اسلامی مبتنی بر اصل ولایت فقیه در جامعه‌اند.

ولایت فقیه مردم عامل مقبولیت نظام مبتنی
 بر نظریه ولایت فقیه‌اند.

ولی فقیه تابع احکام و قوانین
 اسلامی و همچنین ضامن سلامت

دیدگاه	ولایت فقیه و قانون اساسی	و استمرار قانون اساسی و عامل
چهارم		بسیار مهمی در تحکیم پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است. مطلقه اشاره به اختیارات و حقوق ولی فقیه جهت اداره امور اجتماعی جامعه اسلامی دارد.
دیدگاه	ولایت مطلقه فقیه	اختیارات مطلق ولی فقیه در چهارچوب و محدوده احکام و قوانین اسلامی است.
پنجم		

مفاهیم و اصطلاحات جدول شماره (۳)

فقیه	کسی که در علم فقه تخصص دارد و به روایت احادیث می‌پردازد.
فقیه	فقیه‌یی که از ویژگی‌های عدالت، تقوا و کارایی در مقام مدیریت جامعه و تأمین مصالح آن برخوردار باشد.
جامع الشرایط	مقبوله. [م-ل-ج مقبولات پذیرفته شده‌ها، که مورد قبول واقع شده باشند. قضایایی اند که به پیشوایان دین یا حکما و سایر بزرگان مورد اعتماد و ایمان مردم نسبت داده می‌شوند؛ مانند کلیه استدلالاتی که مبتنی بر احادیث و اخبار است یا قضایایی که سبب تصدیق به آنها اطمینان به گوینده آنهاست.

معصوم	به کسی گفته می‌شود که دارای مقام عصمت؛ یعنی دوری از خطا و گناه است. منظور پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام است.
حکومت ولایی	حکومتی که ولی فقیه در رأس آن است و در چهارچوب احکام و قوانین اسلامی و مصالح جامعه عمل می‌کند.
ربوبیت تشریحی	هدایت و راهنمایی انسان به واسطه پیامبران و کتب آسمانی و از طریق قدرت تعقل باشد.
حوادث واقعه	اشاره به روایتی در مورد اثبات ولایت فقیه دارد و منظور رخدادها و حوادث و مسائل اجتماعی است که در زمان غیبت امام زمان ﷺ برای جامعه اسلامی به وجود می‌آید و برای برطرف کردن آنها باید به ولی فقیه مراجعه کرد.
ولایت تکوینی	یعنی خداوند به بعضی از بندگان قدرت می‌دهد که با اراده خودشان می‌توانند در عالم وجود تصرف کنند. مثلاً می‌توانند از قلب افراد آگاه شوند یا مریض را شفا دهند.
ولایت تشریحی	یعنی ولایت قانون؛ یعنی فردی بتواند و حق داشته باشد از طریق جعل و وضع قوانین و اجرای آنها در زندگی مردم و افراد جامعه تصرف کند.
مشروعیت	به مفهوم حق حکومت حاکم و پذیرش این حق از سوی مردم است.
مقبولیت	منظور از مقبولیت پذیرش مردمی است. اگر مردم به درخواست فرد یا گروهی برای حکومت، تمایل نشان دهند و

خواستار اعمال حاکمیت از طرف آن فرد یا گروه باشند و در نتیجه براساس خواست و اراده مردم حکومتی تشکیل گردد، گفته می‌شود، آن حکومت دارای مقبولیت است.

محدویت‌ها و موانع اجتماعی که در زمان وجود حکومت-

«عدم بسط ید»

های طاغوت باعث می‌شود تا فقها نتوانند به وظیفه کامل خود در امر رهبری مردم جامعه بپردازند.

در اصطلاح و فرهنگ اسلامی ولایت، رابطه‌ای است که بین امت و امام برقرار می‌شود و ایجاب می‌کند که امام حق رهبری نسبت به مردم داشته باشد و مردم نیز موظف باشند فرمان او را اجرا کنند و متقابلاً مردم نیز حقی بر امام خواهند داشت.

ولایت

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
۱. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵)، ولایت تکوینی و تشریحی در قرآن مجید، قم: مؤسسه انتشارات امام صادق (علیه السلام).
 ۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۳۹۰)، ولایت تکوینی و ولایت تشریحی، قم: مسجد جمکران.
 ۳. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۹۵)، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامی، ج ۲.
 ۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۸۷) اصول کافی، ترجمه صادق حسن زاده، قم: انتشارات قائم آل محمد، ج ۱.
 ۵. درخشه، جلال و سید علی لطیفی، (۱۳۹۷)، نظام سیاسی مطلوب در اندیشه آیت الله مصباح یزدی، نشریه علمی - پژوهشی، جستارهای سیاسی معاصر، سال نهم، ش ۴، ص ۱۷۳-۲۰۴.
 ۶. مصباح یزدی، آیت الله محمد تقی، (۱۳۹۶)، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
 ۷. مصباح یزدی، آیت الله محمد تقی، (۱۳۹۱)، نظریه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ج ۱.
 ۸. مصباح یزدی، آیت الله محمد تقی، (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
 ۹. مصباح یزدی، آیت الله محمد تقی، (۱۳۸۳)، در پرتو ولایت، قم: مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی (قدس سره).

۱۰. مصباح یزدی، آیت‌الله محمد تقی، (۱۳۹۴)، حکیمانه‌ترین حکومت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۱۱. مصباح یزدی، آیت‌الله محمد تقی، (۱۳۹۱)، پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۱۲. - مصباح یزدی، آیت‌الله محمد تقی، (۱۳۶۹)، بحثی ساده و کوتاه پیرامون حکومت اسلامی و ولایت فقیه، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. مصباح یزدی، آیت‌الله محمد تقی، (۱۳۸۵)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۱۴. مصباح یزدی، آیت‌الله محمد تقی، (۱۳۸۰)، چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی (مجموعه سخنرانی‌های آیت‌الله مصباح یزدی در لبنان)، ترجمه حسین علی عربی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۱۵. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۸۱)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. (قدس سره).
۱۶. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۴۲۱ق)، البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
۱۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (بی تا)، کشف الاسرار.
۱۸. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۱.

۱۹. نادری، محمدمهدی، (۱۳۹۵)، مقایسه دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مصباح یزدی در زمینه «ادله اثبات ولایت فقیه»، نشریه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، سال بیست و یکم، شماره ۲، ص ۸۰-۵۷.
۲۰. همایون کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۹۲)، ایرانیان؛ دوره باستان تا معاصر، ترجمه حسین شهیدی، تهران: مرکز.
۲۱. همتی، همایون، (۱۳۶۳)، ولایت تکوینی، تهران: انتشارات امیرکبیر.